

بررسی حضور پذیری کودکان در فضاهای عمومی با رویکرد عدالت فضایی در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری (نمونه موردی: منطقه ۱ و ۱۱ تهران)^۱ نازیلا پورقاسم گاوگانی^۲

دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علیرضا بندر آباد

استادیار، گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

واراز مرادی مسیحی

استادیار، گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲

چکیده

عدالت نقش بسیار مهمی را در جغرافیای شهری بویژه حضورپذیری کودکان در جامعه دارد. در حال حاضر فضاهای عمومی در شهرهای کنونی ایران، در روند شکل‌گیری خود و عدالت فضایی از ضرورت طراحی و مدیریت این فضاها در ارتباط با تاثیر پرورشی آنها بر شخصیت و هویت کودکان بی‌بهره‌اند. این پژوهش با تاکید عمده بر دسترسی کودکان به فضاهای عمومی اقدام به سنجش حضورپذیری فضاهای عمومی برای کودکان در سطح مناطق و محلات شهر تهران اقدام خواهد نمود و در نهایت، الگوی بهینه فضاهای عمومی مناسب برای حضور کودکان در مناطق مختلف تهران به منظور دستیابی به عدالت ارایه خواهد نمود. پژوهش حاضر با آزمون نظریه‌ی لوفور ابتدا امکان استفاده از این نظریه را در شهر بررسی می‌کند، و چگونگی دستیابی به عدالت فضایی سوچا در جهت حضورپذیری کودکان با استفاده از این نظریه را تجزیه و تحلیل می‌نماید. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده، و نمونه آماری منطقه ۱ و ۱۱ تهران می‌باشد.

کلمات کلیدی: توسعه پایدار، عدالت فضایی، حضورپذیری، نظریه حق به شهر، کودکان، روانشناسی محیطی.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری تحت عنوان "باز تعریف الگوی ارتقا حضورپذیری در فضاهای عمومی برای کودکان بر مبنای دستیابی به عدالت فضایی" به نگارش نازیلا پورقاسم گاوگانی، استادارهنما دکتر علیرضا بندرآباد و استاد مشاور دکتر مرادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز می‌باشد.

^۲ - (نویسنده مسئول) poorghasem_nazila@yahoo.com

مقدمه

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر پیرامون حقوق شهری و شهروندی در ایران و ارائه‌ی تحلیل جنسیتی از آن از دو منظر قابل بحث است. از منظر اول، موضوع مورد مطالعه، موضوعی است به روز که برای ایجاد یک جامعه‌ی شهری توسعه یافته شایان توجه است. از منظر دوم، به لحاظ نظری، موضوع، چهارچوب نظری و رویکرد انتخاب شده می‌تواند به توسعه‌ی دانش در جامعه‌شناسی شهری بینجامد. ادبیات جغرافیایی و جامعه‌شناسی شهری در ایران توجه بسیاری به انواع آسیب‌های شهری مبذول داشته است. پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی ارتباط شهرنشینی با همبستگی اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی و انواع آسیب‌های اجتماعی انجام شده است (برای نمونه، ن.ک به موسوی، ۱۳۸۱؛ علی اکبری، ۱۳۸۳). در کنار این مطالعات که عموماً از نسل اول جامعه‌شناسان شهری آمریکای شمالی تأثیر می‌پذیرند (ن.ک به شارع پور، ۱۳۸۹)، توجه کمتری به برداشت ساکنان شهر از فضاهای شهری و میزان رضایت آنان از مولفه‌های شهری شده است. در زمینه‌ی ارتباط شهر و جنسیت نیز مطالعاتی انجام شده است که معنادار بودن مفهوم جنسیت در فضاها شهری را نشان می‌دهد (برای نمونه ن.ک به رهبری، ۱۳۹۱؛ رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳). با این وجود مساله‌ی معناداری جنسیت و وجود نابرابری‌های جنسیتی در شهر هنوز در میان اندیشمندان حوزه‌ی علوم اجتماعی در ایران پذیرفته نیست (برای نمونه ن.ک به مهرخانه، ۱۳۹۳؛ کدخبر: ۱۰۳۷۰). بنابراین اساساً مساله‌ی وجود تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از فضاهای شهری در ایران، هنوز مساله‌ای مورد مناقشه است. شهرها مرکز اصلی تولید، مصرف و بازتولید هنجارها و هویت‌های مبتنی بر جنسیت هستند (جارویس، کانتور و کلوک^۱، ۲۰۰۹). اندیشمندان علوم اجتماعی همواره فضای شهر را قلمرویی برای زندگی و هویت‌یابی دانسته‌اند (فکوهی، ۱۳۸۳) که هویت‌های جنسیتی را نیز شامل می‌شود.

هرچند مکان‌های مناسب برای کودک دارای عدالت فضایی یک ضرورت مطلق برای رشد کودکانمان نیستند، ولی به عنوان یک نیاز پراهمیت و لازم و مزیت اصلی که منجر به سالم‌تری فیزیکی و روانی آنها می‌شود. شاید به این دلیل است که یکی از مولفه‌های توسعه پایدار را نیز کسب تجارب زندگی توسط خود کودکان از طریق مشارکت فعالشان در محیط می‌دانند که این مشارکت با علم به حساسیت منحصر به فرد محیطی کودکان بر مبنای درک و ارزیابی کودکان در محیط پیرامون - اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و روان‌شناختی - است. از جمله حقوق کودکان، حفظ بهترین منافع آنها در تمامی جوانب حیات است و مکان مناسب کودک این حق را در آنها ارتقاء می‌بخشد. کودکی اولین و مهم‌ترین دوران زندگی و مقدمه‌ای برای دگرگونی‌های شخصیت انسان بالغ است که نیازهای روان‌شناختی آن پیچیده‌تر از نیازهای فیزیولوژیکی است؛ لذا شناخت کودکان در روان‌شناسی رشد کودک، موضوع اصلی و مهم تلقی می‌شود:

”پیازه“ معتقد است کودکان مثل بزرگسالان به مسایل نمی‌اندیشند و تجربه محیط مهم‌ترین عامل در رشد آنان است (نک به کاپلان، ۱۳۸۱ : ۹۷). اما «اریکسون» بر ابعاد عاطفی رشد کودک تأکید می‌کند و ایجاد حس هویت در کودک را بر اساس شرایط فرهنگی و اجتماعی، مهم می‌داند و عقیده دارد احساس امنیت، اتکا به خود، ابتکار،

¹ Jarvis, Kantor and Cloke

کارایی و هویت، در مراحل رشد کودک تا زمان جوانی ایجاد می‌شود (همان : ۱۱۴). به غیر از این دو نظریه معتبر در روانشناسی رشد کودک، «سلسله مراتب نیازهای مازلو» گرچه به طور اختصاصی نیازهای کودک را بیان نمی‌کند اما ارتباط زیادی با روند رشد طبیعی وی دارد. مازلو نیازهای کودکان را به ترتیب، نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت، عشق و تعلق خاطر و احترام به خودشکوفایی معرفی می‌کند. رویکرد جامعه‌شناختی، جدیدترین رویکرد پس از نظریات کودک محور است. این رویکرد کودک را یک فعال اجتماعی تلقی می‌کند که بخشی از شخصیت او در ارتباط با فضاهای مختلف شکل می‌گیرد. خانه، مهدکودک، مدرسه، پارک و دیگر فضاهای عمومی چون خیابان‌ها، کوی‌ها و کوچه‌ها باید قابلیت برآورده کردن نیازهای زیستی، آموزشی و فراغتی کودک را داشته باشند. اما شهر مدرن، نه تنها نمی‌داند چگونه کودک را بپذیرد، بلکه ترجیح می‌دهد او را تا زمانی که به سن رویارویی با محیط شهری برسد در اماکن محافظت شده مانند زمین‌های بازی نگه دارد (منصوری، قره‌بیگلو، ۱۳۹۰ : ۶۳).

بنابراین سوال مهم آن است که فضاهای شهری باید دارای چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا برای رشد کودکان مناسب شوند. رویکرد جامعه‌شناختی کودک موجب پدید آمدن نظریات شهر محور گوناگونی شده که از بسیاری جهات ویژگی‌های مشترکی دارند:

دو طرح «شهر خلاق» و «شهر سالم» به لزوم تنوع کاربری‌های زمین، سرزندگی شهر و بروز خلاقیت، تأمین ایمنی و ایجاد فضاهای دفاع پذیر برای تمامی شهروندان و از جمله کودکان اشاره می‌کنند. اما مهم‌ترین نظریه‌ها تاکنون با عناوین «شهر برای کودک» و «شهر برای همه» شناخته شده‌اند که به دو الگوی «شهر دوستدار کودک» و «شهر انسان‌گرا» انجامیده‌اند. مورد اول پدیده‌ای وارداتی است، که در برخی شهرهای جهان اجرا شده و پرتعدادترین و جدیدترین نظریه حال حاضر است. مورد دوم یعنی میزان تناسب شهرهای گذشته ایران با نیازهای کودکان باید از نظر میزان، چگونگی و امکان تأثیر آن، کارشناسی دقیق شود؛ لذا ضرورت استفاده از مفهوم جدید و عدم وارداتی مانند عدالت فضایی کودکان بسیار دارای اهمیت و ضرورت می‌باشد.

به طور خلاصه تمرکز شدید جمعیت در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به همراه توزیع ناعادلانه امکانات و خدمات شهری و نسبت قابل توجه کودکان در این شهر لزوم و ضرورت توجه ویژه به مقوله عدالت فضایی را مطرح می‌کند. چرا که کودکان پشتوانه و سرمایه رشد و توسعه جامعه را تشکیل می‌دهند و در صورت عدم توجه و عدم تأمین نیازها و خواسته‌های نه تنها هیچ‌گونه رشدی اتفاق نمی‌افتد بلکه آینده جامعه را با تهدید جدی مواجه خواهد ساخت. اکنون عدالت فضایی، هدف نهایی بسیاری از سیاست‌های برنامه ریزی است یا به طور مشخص تر عدالت فضایی، بخشی از هدف هر سیاست برنامه ریزی شده است (مارکوزه، ۲۰۰۸).

این پژوهش در نظر دارد ابعاد و جوانب عدالت فضایی (به همراه ابعاد ناعادلانه آن) متناسب با نیازهای کودکان را برآورد نماید و آن‌ها را در نمونه مورد مطالعه (شهر تهران) به آزمون بگذارد. همچنین با استفاده از منابع موجود و روش‌های علمی و نظرات ذی‌نفعان حوزه شهر دوستدار کودک ویژگیهای فضاهای عمومی با کیفیت را استخراج و

تدوین نماید تا حرکتی در راستای عادلانه نمودن امکانات و فضاهای شهری برای تمامی افراد از تمامی گروه‌ها و طبقات اجتماعی (به طور خاص کودکان) انجام داده باشد.

ادبیات و مفاهیم اساسی پژوهش

این پژوهش سعی در خلق فرصت برای کودکان در راستای شکل دادن و تغییر محیط پیرامون آنها، اعطای حق شهروندی به کودکان، توسعه آگاهی، بالا بردن مشارکت جمعی، کم کردن میزان خشونت علیه کودکان، توجه به موضوعات زیست محیطی و به طور کلی ارتقای بهداشت عمومی و کیفیت زندگی کودکان است. می‌بایست در سیاست‌ها و اهداف بنیادی و کاربردی شهرها سلامت، شادی، رشد بالنده، رفاه و امنیت کودکان و به عبارتی کلی‌تر وجود عدالت فضایی برای کودکان در شهر الویت داشته باشد و شیوه‌های اعمال آن بررسی شود. در این بخش به بررسی مبسوط ادبیات موضوع پرداخته می‌شود.

فضای عمومی

مفهوم فضای عمومی اصطلاح دشوار و غیرشفافی برای مطالعه است. در ادبیات فضای عمومی از آن با عنوان «اصطلاح بی‌ثبات» نام می‌برند. دلایل متعددی برای بیثباتی و دشواری مفهوم فضای عمومی وجود دارد. نخست اینکه، در این موضوع در سطح نظری، دیدگاه‌ها و تعاریف چندرشته‌ای متناقض و گیج‌کننده زیادی وجود دارد. دوم اینکه در سطح عملی و واقعی، ساخت مکان‌های عمومی، همچون تولید محیطی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی پیچیده برای گروه‌های اجتماعی است و سوم اینکه در سطح فردی نیز فضای عمومی سازه شخصی و ذهنی است. یک فضای عمومی برای شخص ممکن است عمومی باشد، ولی برای شخص دیگری چنین نباشد. در این تحقیق از تعریف فضای عمومی کارمونا (۲۰۰۸) استفاده می‌شود: " فضای عمومی (تعریف وسیع و گسترده) مرتبط با همه بخش‌های محیط ساخته شده و طبیعی، عمومی و خصوصی، داخلی و خارجی، شهری و روستایی است. جایی که عموم آزادند. اگرچه لزوماً دسترسی به آن‌ها محدودیت نیست. این فضاها شامل همه خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق‌گذر، خواه دارای استفاده غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی، فضای باز و پارک‌ها، فضاهای باز حومه شهری، هم فضاهای عمومی / خصوصی داخلی و هم خارجی، جایی که دسترسی عمومی تشویق می‌شود - اگرچه کنترل می‌شود - مانند مراکز خرید خصوصی یا ایستگاه‌های اتوبوس و راه‌آهن، و فضای داخلی ساختمان‌های مدنی و عمومی کلیدی مانند کتابخانه‌ها، کلیساها یا سالن‌های شهری می‌شود" (اشرفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۳۹-۴۴۲).

عدالت فضایی

اولین اثر منتشر شده نیز متعلق به مقاله کوتاه انگلیسی تحت عنوان «عدالت فضایی» که توسط پیریه در سال ۱۹۸۳ نگاشته شده است. تقریباً در حوالی همان سال ۱۹۸۳ کتابی توسط جغرافیدان فرانسوی رینولد تحت عنوان «جامعه، فضا و عدالت: نابرابری منطقه‌ای و عدالت اجتماعی و فضایی» چاپ شده است. از سال ۱۹۸۰ تا اواخر قرن، استفاده

و بسط واژه «عدالت فضایی» بصورت ویژه با کار جغرافیدانان و برنامه ریزان در لس آنجلس همراه شد (سوجا، ۲۰۰۸).

در دهه‌های اخیر نیز با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار مفهوم عدالت اجتماعی و به تبع آن عدالت فضایی به شدت مورد توجه قرار گرفت، به گونه ای که براساس نظر مای و همکاران (۱۹۹۶) آینده نگری، عدالت اجتماعی، مشارکت عمومی و محیط اصول بنیادی توسعه پایدار به شمار می آید (لورینی، ۲۰۰۲).

در ایران سابقه بررسی موضوعات توسعه شهری و عدالت اجتماعی به دو دهه اخیر برمی گردد. در برنامه ریزی شهری ایران، نگاه به مفهوم فضا در توسعه شهری، نگاه مطلق گرایانه و جبرگرایانه است، با توجه به این نوع نگاه به فضای شهری، فضا همانند کالبدی در نظر گرفته می شود که فعالیت های اجتماعی در آن اتفاق می افتند؛ این نوع نگاه به فضای شهری، نگاه جبرگرایانه و فن گرایانه است. نمونه های بارزی از این نوع توسعه های شهری در ایران وجود دارد که از مهمترین آنها می توان به طرح نوسازی بزرگراه نواب در دهه ۷۰ اشاره کرد (تبریزی، ۱۳۸۲). نگاه مدیریتی به اداره شهر در ایران از بالا به پایین بوده و مشارکت شهروندان در تصمیم سازی و تصمیم گیری جایگاه زیادی ندارد (عزیزی، ۱۳۷۹؛ عسگری، ۱۳۸۲؛ کامروا، ۱۳۸۴) و همین عامل فرصت اعتراض ساکنین به تبعیض ها و نابرابری های صورت گرفته در طرح های توسعه شهری را فراهم نمی آورد (بیات، ۱۳۹۱).

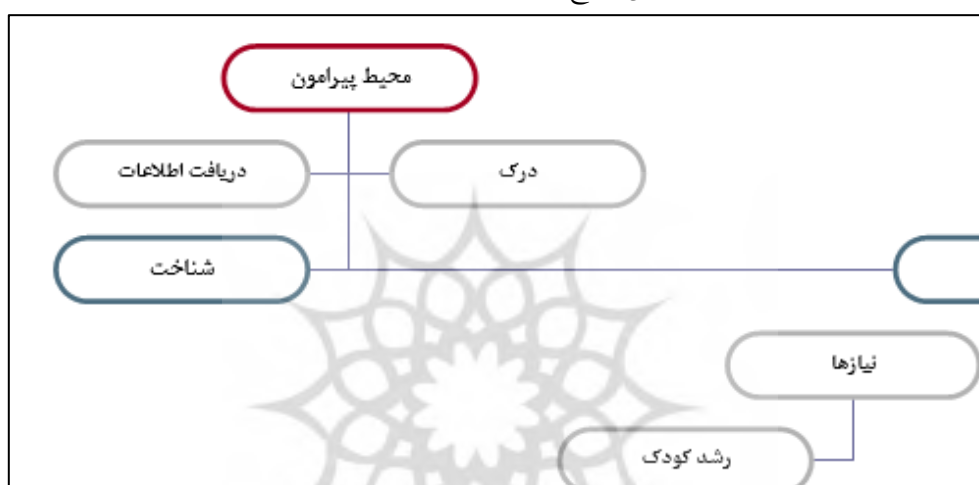
نابرابری در توزیع خدمات و منابع، رواج سکونتگاه های غیررسمی و جدایی گزینی اقتصادی، طبقاتی و اجتماعی ساکنین در اکثر شهرهای ایران به چشم می خورد (شیخ بیگلو و همکاران، ۱۳۹۱) و عواملی همانند عدم هماهنگی بین متولیان شهری، ضعف در طرح های توسعه شهری، فشار لابی های قدرت سیاسی و اقتصادی و تحمیل نظر آنها در روند توسعه و گسترش شهر، عدم حمایت از قشر ضعیف جامعه که هم از نظر درآمد و هم قدرت چانه زنی در حاشیه مشارکت و دخالت در تصمیم گیری و تصمیم سازی هستند، این نابرابری ها را تشدید می کند (کاظمیان، ۱۳۸۳). سیستم حمل و نقل شهری که می تواند تأثیر مثبتی در کاهش این نابرابری ها و در دسترسی به فرصت ها، امکانات و خدمات شهری داشته باشد به خوبی عمل نمی کند (داداش پور و رستمی، ۱۳۹۰). تبعیض جنسیتی و کمبود فضاهای عمومی در شهرها به شدت احساس می شود (رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳). کاربری های پیش بینی شده برای شهر در طرح های توسعه شهری به درستی اجرا نمی شود و اجرای ناقص آنها، زمینه نابرابری بین محلات شهری را پدید می آورد (داداش پور و همکاران، ۴، ۱۳۹۴). این در حالی است که تحقق عدالت به عنوان آرمانی اصولی، اعتقادی و نیز سیاسی در نظر جامعه اسلامی امری بدیهی به شمار می رود. ادامه این وضع می تواند جامعه شهری ما را با بحران های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی مواجه کرده و از توسعه پایدار دور گرداند.

عدالت فضایی و کودکان

رابطه کودک با محیط او بر اساس طبیعت موضعی اشیاء نشان داده شده می باشد. بر این اساس کودک مکان ها را با حس تقارن و مرکزیت، مسیرها را براساس حس تداوم و تقاطع ها را براساس سطوح تشکیل شده درک می کند. برای مثال، وقتی کودک در یک حیاط خالی با درختی مواجه می شود خواص هندسی شکل نظیر اندازه و تناسب های آن را

درک نمی‌کند، بلکه مرکزی موضعی درخت نسبت به محیط اطراف را درک می‌کند (مظفر و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۸)، و به نوعی می‌توان نمودار ذیل را استنباط نمود.

امروزه فضاهای عمومی شهری به عنوان مکان سوم که نقشی اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند مورد توجه جدی قرار گرفته و به کانون تمرکز دانش - حرفه طراحی شهری بدل گردیده‌اند. در این میان، صاحب‌نظران گوناگون با رویکردهای متفاوتی این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر به منظور ارزیابی نظرات اصلی‌ترین و مطرح‌ترین متفکران مرتبط با فضاهای عمومی شهری و براساس رابطه کودک با محیط فضای عمومی مورد نظر خود را معرفی کرده است، جدول ذیل جمع‌بندی مطالب ارایه شده در تعاریف می‌باشد.



نمودار ۱: رابطه کودک با محیط و نقش حضورپذیری آن منبع: نگارندگان

امروزه فضاهای عمومی شهری به عنوان مکان سوم که نقشی اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند مورد توجه جدی قرار گرفته و به کانون تمرکز دانش - حرفه طراحی شهری بدل گردیده‌اند. در این میان، صاحب‌نظران گوناگون با رویکردهای متفاوتی این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر به منظور ارزیابی نظرات اصلی‌ترین و مطرح‌ترین متفکران مرتبط با فضاهای عمومی شهری و براساس رابطه کودک با محیط فضای عمومی مورد نظر خود را معرفی کرده است، جدول ذیل جمع‌بندی نظریه استفاده شده در این پژوهش می‌باشد.

نظریه پرداز	مکتب فکری	نگرش به عدالت فضایی	به کارگیری عدالت در برنامه ریزی شهری
دیوید هاروی	جغرافی دان رادیکال	توزیع عادلانه از طریق عادلانه	<ul style="list-style-type: none"> فضادارای ماهیتی اجتماعی - اقتصادی - سیاسی است و شهر حاصل نوعی نابرابری در توزیع درآمدهاست. عدالت مرتبط با سه معیار نیاز، منفعت و استحقاق تعریف می‌شود. ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها تنها از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است. وظیفه، شرکت در فرآیند بازتولید اجتماعی، هدایت بازار و نیروی‌های اجتماعی و اقتصادی است.
سوجا	جغرافیایی سیاسی پست مدرن	جاری شدن عدالت اجتماعی در فضا	<ul style="list-style-type: none"> ✓ فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی در فضا جاری خواهد شد. درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت اجتماعی ضروری است و بازتاب دادن آن در سیاست‌های برنامه‌ریزی به کاهش آن‌ها کمک خواهد کرد. ✓ عدالت فضایی می‌تواند هم به عنوان نتیجه و هم فرآیند دیده شود، به عنوان الگوهای توزیعی یا جغرافیایی و به عنوان فرآیندهای که نتایج را تولید می‌کنند.

حضورپذیری کودکان در فضاهای عمومی و شهری

باید به این نکته توجه داشت که آنچه که باعث بروز یک فعالیت از سوی افراد و به تبع آن به فعلیت رسیدن امکانات بالقوه ی یک محیط می‌شود، نیازی می‌باشد که آن افراد احساس می‌کنند. در واقع، هر فعالیت انسانی در هر جایی خاستگاهی دارد که از نیاز ناشی می‌شود. به علاوه، رفتارهای افراد منشاءهای متفاوتی هم چون آرمان‌های فردی، اهداف و ارزش‌ها، منابع موجود و غیره دارد. در سلسله مراتب نیازهای مورد مطالعه ی مازلو که در زیر آمده است. نیاز به " در جمع بودن" که با بعد اجتماعی طراحی شهری مربوط می‌باشد، در جایگاه دوم قرار دارد و این امر نشانگر اهمیت بالای حضور در اجتماع و اجتماع پذیری افراد می‌باشد.

۱. نیازهای فیزیولوژیکی: برای گرما و آسایش

۲. نیازهای مربوط به وابستگی به جمع

۳. نیازهای مربوط به احساس ارزشمند بودن: احساس اینکه فرد در برابر دیگران صاحب ارزش است

۴. نیازهای مربوط به معرفی استعدادهای خویش: به عنوان مثال بروز استعدادهای هنری و ارضای شخصی از این نظر (Long, 2012)

همانطور که گفته شد، کودکان جزء اقشار آسیب پذیر جامعه هستند؛ کودکان، در پاره ای از اوقات قادر به بیان نیازهای خود نیستند، در حالی که درک نیازها و برطرف کردن نیازهای این گروه از جامعه اهمیت زیادی برای آینده-ی آنها و کشور دارد. حضور کودکان در عرصه‌های همگانی می‌تواند موجب رشد بهتر فکری و فیزیکی آنها شود. بسیاری از روان شناسان معتقدند در سنین کودکی، یادگیری از طریق بازی آزاد انجام می‌گیرد. برای بازی آزاد تعریف دقیق و مشخصی وجود ندارد. اما، از ویژگی‌های آن می‌توان به عدم برنامه ریزی، غیرقابل پی شبینی بودن، اختیاری بودن و لذت‌بخش بودن اشاره کرد.

در ابتدا برای شناخت صحیح موضوع، لازم است به تعریف کودک بپردازیم تا موضوع از وضوح بیشتری برخوردار باشد. طبق تعریف فرهنگ فارسی معین، کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده (پسر یا دختر) می‌باشد. در فرهنگ میراث آمریکایی نیز از کودک به عنوان شخصی که بین تولد تا دوران بلوغ قرار دارد، یاد شده است. از طرف دیگر طبق تعاریف حقوقی در جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. با توجه به تعاریفی که عنوان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که منظور از کودک کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و با توجه به اینکه بلوغ معمولاً در بین پسرها بین ۱۳ تا ۱۶ سالگی و در دخترها بین ۱۱ تا ۱۴ سالگی اتفاق می‌افتد، انتخاب معیار کمتر از ۱۲ سال کامل برای تعریف کودک مبنای مناسبی را به دست می‌دهد (شیعه، ۱۳۸۶:۱۳).

حضورپذیری و عدالت

ادوارد سوچا نیز با تاثیر از لوفور، فضاامندی (فضاییت) را یک محصول اجتماعی می‌داند. به تعبیر وی، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساخت‌مند شدن زندگی اجتماعی است و این بدان معناست که نمی‌توان آن را جدا از

جامعه و روابط اجتماعی فهمیده و نظریه‌پردازی کرد (Soja, 1987: 92). منبع مولد تفسیر فضا، درک این نکته است که فضا به لحاظ اجتماعی تولید می‌شود و مثل جامعه در اشکال محتوایی (فضامندی‌های عینی) و مجموعه روابط میان افراد و گروه‌ها وجود دارد. فضامندی به مثابه‌ی تولیدی اجتماعی را باید از فضای فیزیکی ماهیت مادی و فضایی روانی که هر کدام در ساخت‌مند شدن فضای اجتماعی به کار می‌روند و ادغام می‌شوند (اما نمی‌توان هم ردیف مفهوم‌سازی کرد) جدا کرد. وی معتقد است که امکان نظریه‌پردازی مستقل نیست، چون این سه فضا به یکدیگر متصل هستند و نسبت به هم متداول‌اند. به علاوه، به تنها فضاهای طبیعت و شناخت در تولید اجتماعی فضامندی به کار رفته و ادغام می‌شوند، بلکه در این فرآیند دچار تحول اساسی نیز می‌شوند. این ادغام و تحول اجتماعی، محدودیتی اساسی برای نظریه‌پردازی مستقل فضای فیزیکی و ذهنی ایجاد می‌کند، چون هر کدام در حد گسترده‌ای به لحاظ اجتماعی، نظریه‌پردازی و فهم شوند. به همین ترتیب، فضامندی نمی‌تواند کاملاً جدا از فضای فیزیکی و شناختی باشد. فرآیندهای طبیعی و زیستی، جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند و زندگی اجتماعی هیچ‌گاه به طور کامل رها از اصطکاک فاصله‌ی فیزیکی نیست.

تاثیر این طبیعت اولیه، امری خام و مستقل نیست. همواره این تاثیر از مجرای می‌گذرد و به عنوان قسمتی از طبیعت ثانویه که از کاربرد سازمان یافته و انباشته شده‌ی کار و شناخت انسانی مایه می‌گیرد، طراحی می‌شود. بدین ترتیب، فضای طبیعت فیزیکی در تولید اجتماعی فضامندی متجلی است. همین بحث را می‌توان درباره‌ی فضامندی شناختی نیز انجام داد. فضامندی عینی همیشه در تجلیات پیچیده و متنوع ادراک و شناخت انسانی متبلور است. با این وصف، تولید اجتماعی فضا، تجلیات فضای ذهنی را به وسیله‌ی عینی کردن آن به مثابه‌ی قسمتی از زندگی اجتماعی، قسمی از طبیعت ثانوی، تعیین و طراحی می‌کند، از این رو تولید ایده‌ها (ایدئولوژی‌ها) عنصر مهم تولید فضامندی است. ولی این رابطه، ریشه در بنیان‌های اجتماعی دارد فضامندی، هم زمان محصول فرآیندی در حال تحول است. فضامندی به مثابه‌ی محصولی اجتماعی می‌تواند در طی زمان، مدام تقویت یا بازتولید شود و نمودی از اثبات و استمرار را ارائه کند. از دیدگاه سوجا، تولید فضا هم وسیله و هم نتیجه‌ی کنش و روابط اجتماعی است. دو چهرگی ساخت‌یابی فضایی - زمانی، ساختارهای اجتماعی و فضایی را به گونه‌ای که اولی (ساختارهای اجتماعی) در دومی (ساختارهای فضایی) ظهور پیدا می‌کند به یکدیگر متصل می‌کند. به عبارت دیگر، ساختارها و روابط فضایی، شکل مادی روابط و ساختارهای اجتماعی است. فضامندی و زمانبندی به مثابه‌ی محصولات اجتماعی آشکار مرتبط با بنیاد تمامی تعاملات اجتماعی، محوری است و باید نسبت به تدوین نظریه‌ی اجتماعی نیز محوری باشد و نه صرفاً به مثابه‌ی امری الحاقی و اضافی تلقی شود. وی در مجموع، تفسیر مادی فضامندی را مبتنی بر قضایای مرتبط زیر می‌داند:

↓ فضامندی، یک محصول اجتماعی جوهریافته است.

↓ به مثابه‌ی محصولی اجتماعی، فضا، هم زمان وسیله و نتیجه، پیش شرط و پیامد عینی کنش و روابط اجتماعی است.

↓ ساخت‌یابی فضایی - زمانی زندگی اجتماعی و فرآیند کاری روشن می‌کند که چگونگی رابطه و کنش اجتماعی به لحاظ مادی ساخته و عینی می‌شود.

↓ فرآیند شکل‌گیری / عینی شدن، مسئله‌دار است، سرشار از تضاد، ستیز و تلاش است.

↓ این ستیز و تضاد اساساً ناشی از دوگانگی فضایی ایجاد شده به مثابه‌ی وسیله و نتیجه است.

↓ فضا‌مندی عینی، قلمرو رقابتی برای تولید و بازتولید اجتماعی است، چون اعمال اجتماعی یا به منظور بقا و تقویت فضا‌مندی موجود است یا برای بازسازی و تحول آن.

↓ زمان‌مند بودن زندگی اجتماعی از یکنواختی‌ها و حوادث فعالیت‌های روزمره تا ساختن مسیرهای طولانی‌تر تاریخ، مشروط به عامل زمانی / تاریخی دارد.

↓ تفسیر مادی تاریخ و تفسیر مادی فضا بدون ارجحیت ذاتی یکی بر دیگری، به طور لاینفک درهم تنیده بوده و به لحاظ نظری ملازم یکدیگرند (Ibid: 92-99).

در کل می‌توان گفت که سوچا، فضا‌مندی را معادل جامعه ندانسته، بلکه آن را عینیت‌پذیری جامعه می‌داند.

در نوشته‌های لفور حق شهری همانند یک سبب مفهومی معرفی می‌شود که بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر را نیز شامل می‌شود. خوانش‌های متعدد حق شهری در طی دو دهه گذشته ابعاد جدیدتری از این مفهوم آشکار ساخته است

که در ادامه با دسته‌بندی حقوق برآمده از مفهوم حق شهری به معرفی و تحلیل هرکدام پرداخته می‌شود.

حق مشارکت

ایده لفور در مورد حق مشارکت اشاره به مرکزیت شهروندان در تصمیم‌گیری در امور است که به طور مشخص فضای شهری را تحت تاثیر قرار می‌دهند. لفور مشارکت ساکنان را صرفاً امتیازی از جانب دولت به آنها نمی‌پندارد؛ بلکه مشارکت تکاپویی سیاسی به منظور افزایش کنترل و خودگردانی ساکنان بر شهر می‌باشد (Purcell & Tyman, 2015). از این رو حق مشارکت رفع موانعی است که دولت و سرمایه توسط آن، ساکنان را از مرکز تصمیم‌گیری به حاشیه رانده‌اند. در دو قرن اخیر حق مشارکت شهروندی صرفاً در قالب حق بیان و حق مشارکت سیاسی بوده است. اما به عقیده لفور "شهروندیت می‌بایست به منظور ایجاد یک زندگی اجتماعی

متفاوت بر پایه استفاده کامل از فضا و زمان شکل گیرد" (Lefebvre, 1996: 173). به عقیده لفور رشد سرمایه محور شهرها و کالایی شدن روابط فضایی موجب کاهش نقش‌آفرینی شهروندان و افزایش تسلط نخبگان شهری و سرمایه‌داران بر تصمیم‌گیری‌های شهری شده است. این در حالیست که کنترل بر کاربری زمین حق مالکان زمین و نخبگان اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه این حق از آن افرادی است که تصمیمات درباره کاربری زمین مستقیماً بر آنها تاثیر می‌گذارد (Purcell, 2002). با این حال کنترل بر تولید فضا صرفاً تصمیم‌گیری بر اجزای فیزیکی فضا نیست؛ بلکه کنترل بر روابط اجتماعی-فضایی، احساس تعلق و امنیت خاطر ساکنان را نیز شامل می‌شود.

حق تخصیص فضای شهری به شهروندان

از آنجایی که شهر به مثابه اثر هنری بازتاب کثر تگرایی و تعدد آرا و نیازهای ساکنان است، پس دسترسی همگانی و آزاد به فضای شهر (عرصه عمومی شهر) پیش نیاز حق مشارکت شهروندان است.

از این رو حق شهر در بر گیرنده فرایند مستمر و فعال تخصیص فضا (بهره‌وری به جای مالکیت) به شهروندان نیز می‌باشد. تاکید لغور بر اختصاص دادن فضا به شهروندان بر مبنای حق استفاده ساکنان شهر از تمامی فضاهای شهر به منظور برخورداری از احتیاجات زندگی روزمره می‌باشد. حق مختص دانستن فضا به شهروندان مترادف با ارجح دانستن ارزش بهره‌وری فضا بر ارزش مبادله‌ای آن می‌باشد؛ به گونه‌ای که دسترسی حضور و استفاده برابر و مستمر را برای تمامی ساکنان شهر تضمین نماید (Purcell, 2003: 578). دون میشل (Don Mitchell) با تاکید بر ارزش بهره‌وری فضای شهر، حق شهری را در همگانی بودن آن می‌داند. به عقیده وی شهر مکانی برای تعامل و تبادل اجتماعی میان افراد متفاوت است، پس شهر یک فضای همگانی است (Mitchell, 2003). با این حال حق تخصیص فضا به شهروندان صرفاً حق استفاده از فضاهای موجود شهر نیست بلکه تولید فضا، مراسم و پاسخگو به نیازهای ساکنان نیز می‌باشد.

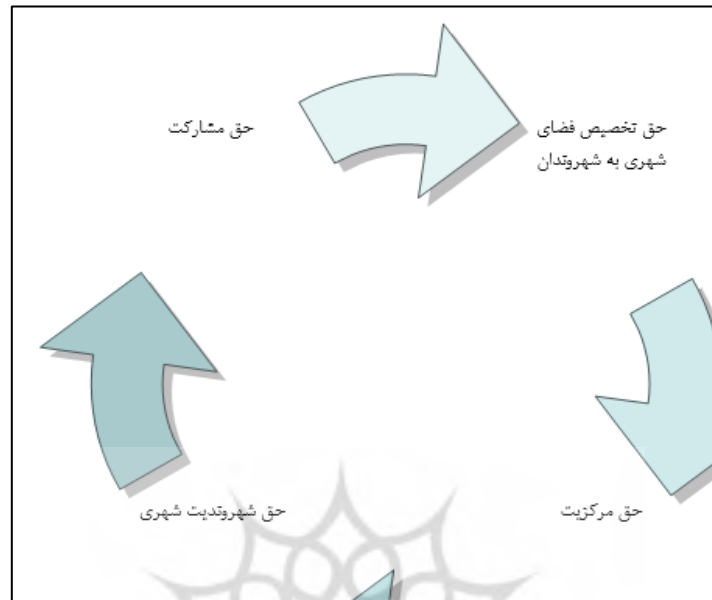
حق مرکزیت

ایده‌های لغور متأثر از سیاست‌های شهری پاریس در زمینه اعیان‌سازی مرکز شهر در راستای پیشبرد منافع طبقه نخبه شهری و حاشی‌ه‌نشین کردن طبقه کارگر بوده است. حق حضور ساکنان شهر در مرکزیت فضایی و مرکزیت تصمیم‌گیری از مبانی پایه حق شهر می‌باشد که در طی دوران اخیر تنزل یافته است. شهریت بدون مرکزیت، بدون هسته‌ای پویا، سرزنده و همه شمول امکان‌پذیر نیست. از این منظر "حق شهر بهره‌مندی تمامی شهروندان از زندگی شهری، مرکزیت، آهنگ زندگی و استفاده کامل از زمان و فضا را می‌طلبد". مراکز، مکان‌های تصمیم‌گیری، ایده‌ها، نمادها، خدمات‌رسانی و جریان زندگی می‌باشند. بنابراین محرومیت از مرکز، حکم خارج بودن از جریان زندگی شهری را دارد.

حق شهروندیت شهری

تأکید لغور بر اهمیت نقش فضا در تولید آهنگ روزمره زندگی و بازتولید روابط اجتماعی، رویکردی به حقوق شهروندی را پدید می‌آورد که در آن ساکنان شهر می‌بایست نقش‌آفرینان و ذینفعان اصلی در تولید فضای شهری باشند. پورسل با بررسی ریشه‌های فکری اندیشه لغور می‌گوید "به صورت متداول بهره‌مندی رسمی از حقوق شهروندی منحصر به شهروندان ملی می‌باشد. در حالی که لغور بهره‌مندی از حقوق شهروندی را متعلق به ساکنان شهر می‌داند. بنابراین، در جایی که حقوق شهروندی متداول در جهت قدرت بخشی به شهروندان ملی است، حق شهری قدرت بخشی به ساکنان شهر را ملاک عمل قرار می‌دهد (Purcell, 2002:102)". چنانچه ایسین ایده لغور را تفسیر می‌نماید، حق شهری در واقع حق شهروندیت شهری است که موجب تجدید حقوق جمعی در قالب تخصیص فضا به شهروندان و مشارکت آنها در امور است که مستقیماً فضای شهر و زندگی روزمره آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Iisn, 2000). به همین دلیل، حق شهروندیت شهری نسبت به حق شهروندی، تصمیمات بیشتری را در امور شهری تحت نظارت شهروندان قرار می‌دهد؛ مثلاً این که در کجا سرمایه‌گذاری شود، شغل‌های جدید ایجاد شود، خط‌های حمل و نقل

عمومی جدید راه‌اندازی شود، یا مسکن جدید ساخته شود و یا هر تصمیم دیگری که به طور برجسته‌ای به تولید فضا در شهری که در آن ساکنند، مربوط باشد. در کل، برای دستیابی به عدالت فضایی سوچا از مدل ذیل پیروی نمود:



نمودار ۲: معیارهای دستیابی به عدالت فضایی سوچا

منبع: نگارندگان

روش پژوهش

در پژوهش حاضر نیز در بخش تحلیل یافته‌ها، سعی بر آن است به تفسیر یافته‌ها پرداخته شود، یعنی خود را محدود فقط به جمع‌آوری داده نشده و رویکرد تولید داده در نظر گرفته شده است. همچنین لازم به اشاره است که متناسب با راهبرد کیفی، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی برای انجام پژوهش بهره برده شده است (لاورنس نیومن، ۱۳۹۲). در مطالعه حاضر کوشش شده است تا مفهوم حق به شهر از بعد نظری با توجه به نگاه‌های هنری لوفور و سایر نظریه پردازان پیرامون این موضوع با کاربری آن در عمل در قالب منشورهای منطقه ای / ملی / مرتبط با مفهوم حق به شهر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، سپس با استفاده از آن به بازتعریف مفهوم عدالت فضایی سوچا برای کودکان دست یافت.

شیوه‌های مورد استفاده برای گردآوری و تفسیر داده‌ها به صورت سند‌گزینی، تحلیل اسناد و دیدگاه‌های صاحب نظران است. تحلیل محتوای کیفی، بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. استفاده از این شیوه بیشتر زمانی ضرورت می‌دارد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود نداشته و محقق می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم کند (کرپندورف، ۱۳۹۱: ۲۷). با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، به تدریج آن‌ها را خلاصه‌سازی می‌شوند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کرد. لازم به اشاره است که روش نمونه‌گیری در این پژوهش همانند نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی از نوع هدفمند است و حجم نمونه نیز به سطح اشباع نظری مسائل پژوهش بستگی دارد (اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در مرحله‌ای از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یافته و دیگر مفاهیم جدیدی ظهور نمی‌یابد).

داده‌های نهایی گردآوری شده نیز با روش تحلیل تماتیک تحلیل و بررسی می‌شوند. این تکنیک تحقیقی غیر واکنشی و غیر مداخله‌ای از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که با برجسته ساختن و بیان نظام مند نکاتی که به طور پراکنده در مجموعه‌ای از متن‌ها درباره موضوع پژوهش و مقوله‌های آن مطرح شده، کار خود را تحلیل آن‌ها، یافتن پیام‌هاشان و ویژگی‌های این پیام‌ها آغاز می‌کند و می‌کوشد تا این تحلیل با عینیت، نظام مندی، عمومیت و درجات قابل قبولی از روایی و پایایی به انجام برسد؛ و زمینه دست‌یابی به استنتاج‌هایی از آن متن‌ها و مواد فراهم آید (کرپیندورف، ۱۳۹۱: ۳۰). به سخن دیگر، این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌ها است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۷).

جامعه و نمونه مطالعاتی

جهت پاسخگویی به سؤال تحقیق، داده‌های گردآوری شده‌ای که از نمونه هدف دریافت شده است، از آمار توصیفی و نیز آمار استنباطی بهره گرفته شد. در بخش جمعیت شناختی از میانگین و درصد و رتبه استفاده شد و در بخش استنباطی نیز در محیط لیزرل و با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی رتبه اول و دوم و تحلیل اکتشافی به سنجش نکیویی برآزش مولفه‌های پیشنهادی برای تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی شهری اقدام شد.

باتوجه به موضوع تحقیق، حوزه مطالعاتی و مسایل آن، برای تکمیل اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر، ترکیبی از روش‌های اسنادی-تحلیلی و پیمایشی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز بیشتر از منابع معتبر اخذ شده است و کار به صورت میدانی و توزیع پرسشنامه در میان افراد و متخصصان در زمینه شهرسازی منظر و شهرسازی و به تحلیل نهایی انجامیده است.

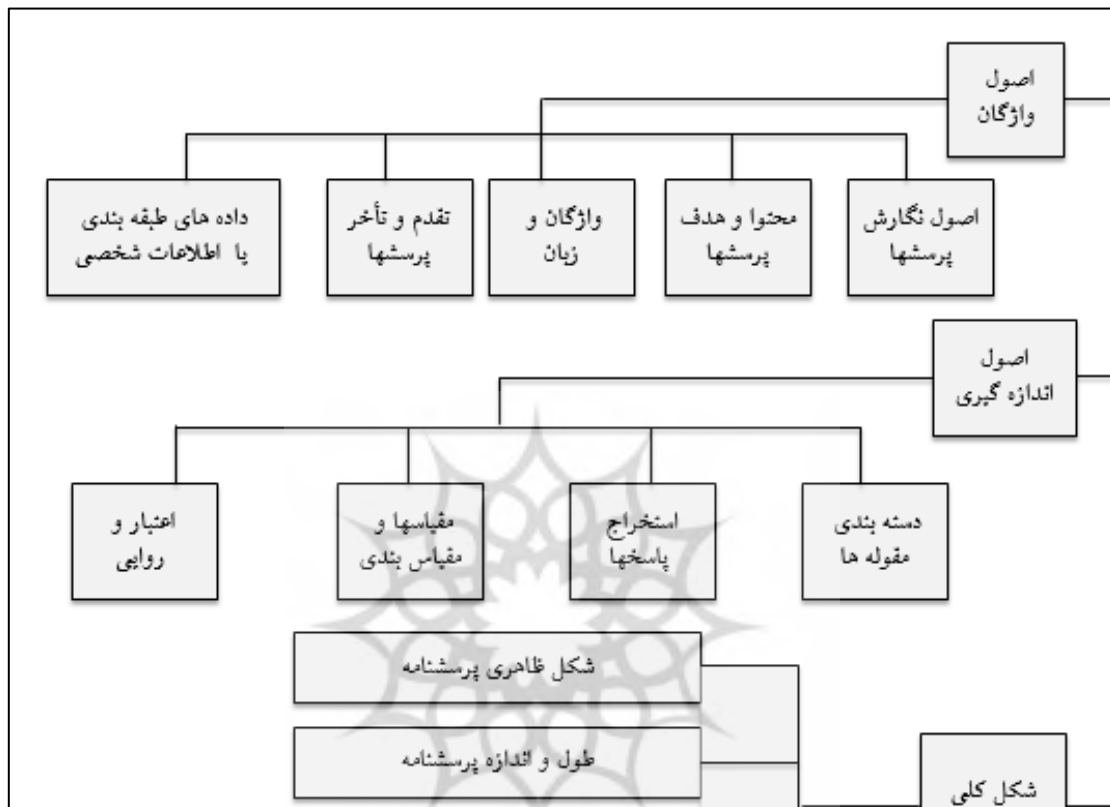
جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل ساکنین منطقه ۱ و منطقه ۱۱ شهر تهران مورد مطالعه می‌باشد، که سعی بر آن بود که یک منطقه برخوردار و دارای بودجه بیشتر، و منطقه‌ی دیگر دارای بودجه و امکانات کمتری هست جهت تحلیل بهتر انتخاب شوند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه ذی‌نفعان حوزه شهر دوستدار کودک، شامل: کودکان (۷ تا ۱۱ سال)، والدین کودکان مورد اشاره، مریبان و روانشناسان کودک در سطح کلانشهر تهران خواهند بود.

مدل تحلیل اطلاعات با استفاده از پرسشنامه (پیوست ۱)

بررسی عوامل موثر بر حضورپذیری کودکان در فضاهای عمومی برای دستیابی به عدالت فضایی، با استفاده از پرسشنامه را می‌توان به دو بخش شاخص‌های فیزیکی و منطقه‌ای تقسیم نمود. در این پرسشنامه از طریق مدل مفهومی تحقیق به کمک کمیت‌هایی قابل اندازه‌گیری جهت مقایسه بهتر استفاده شده است. لازم به ذکر است که شاخص‌های فیزیکی به طور عام در افزایش حضورپذیری کودکان در فضای عمومی شهر موثر می‌باشد، و منظور از شاخص‌های منطقه‌ای یعنی تنها در منطقه مورد مطالعه اعتبارپذیر است.

در بررسی نظر کودکان و متخصصین سعی بر آن شده تا از سوالات باز استفاده نشود و از طیف ۵ سطحی لیکرات برای سنجش میزان رضایت آن‌ها در هر یک از شاخص‌های استفاده شود. باتوجه به اینکه گروه سنی انتخابی کودکان بین ۷ تا ۱۱ سال در این پژوهش، پرسشنامه کودکان به همراه پرسشگر جهت درک و فهم بهتر سوالات استفاده شده

است. این پرسشنامه از پیش آماده نشده بوده و متناسب با نیاز تحقیق طراحی شده است، و می‌بایست پرسشنامه تکمیل شده را از نظر ۱- پایایی و روایی و ۲- بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده در پرسشنامه و سنجش وضعیت جامعه بر اساس آن را بررسی نمود. مدل پرسشنامه در این پژوهش به صورت ذیل می‌باشد.



نمودار ۳: مدل طراحی پرسشنامه

منبع: نگارندگان

جهت پاسخگویی به سؤال تحقیق، داده‌های گردآوری شده‌ای که از نمونه هدف دریافت شده است، از آمار توصیفی و نیز آمار استنباطی بهره گرفته شد. در بخش جمعیت شناختی از میانگین و درصد و رتبه استفاده شد و در بخش استنباطی نیز در محیط لیزرل و با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی رتبه اول و دوم و تحلیل اکتشافی به سنجش نکیویی برازش مولفه‌های پیشنهادی برای تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی شهری اقدام می‌شود.

تعداد نمونه

باتوجه به دو منطقه انتخاب شده در این تحقیق، برای پرسش و مصاحبه با تمام استفاده کنندگان از این دو منطقه هم زمان و هم هزینه بسیار سنگینی نیاز دارد، از همین رو برای کنترل و کاهش اتلاف این دو فاکتور، از روش نمونه-گیری تصادفی ساده استفاده شده است، و همانطور که پیش‌تر بیان شد پرسشگر برای پرسشنامه کودکان در جهت تسریع در زمان و فهم سوالات استفاده گردیده است. واضح است که حجم نمونه می‌بایست به درستی و طوری انتخاب شود که نشانگر صفات کل جامعه باشد و برای این منظور دقت و بررسی جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی دو منطقه رعایت شود.

در بررسی نمونه موردی درجه دقت مورد انتظار ۹۰ با سطح معناداری ۹۵ درصد برای نمونه انتخاب و براساس فرمول کوکران نمونه‌ای به تعداد ۶۰ نفر برای کودکان و ۹۰ نفر برای متخصصان انتخاب شده است.

$$n = \frac{t^2(p.q)N}{d^2(N-1) + t^2(p.q)}$$

که در آن داریم:

N تعداد نمونه

T سطح معناداری، در سطح معناداری ۹۵ درصد می‌دانیم که $t=1.96$ می‌باشد

d سطح خطای قابل قبول که $d=0.1$ می‌شود

p و q درصد وجود و یا عدم وجود صفت خاص در جامعه

N تعداد جامعه

در نتیجه داریم:

$$n = \frac{1.96^2(0.5.0.5)15700}{0.1^2(15700-1) + 1.96^2(0.5.0.5)}$$

در نهایت ۶۲ پرسشنامه برای کودکان و ۹۵ پرسشنامه برای متخصصان در طی یک هفته در دو بازه زمانی صبح (۹ تا ۱۲) و عصر (۱۷ تا ۲۰) تکمیل شدند.

روایی و پایایی پرسشنامه

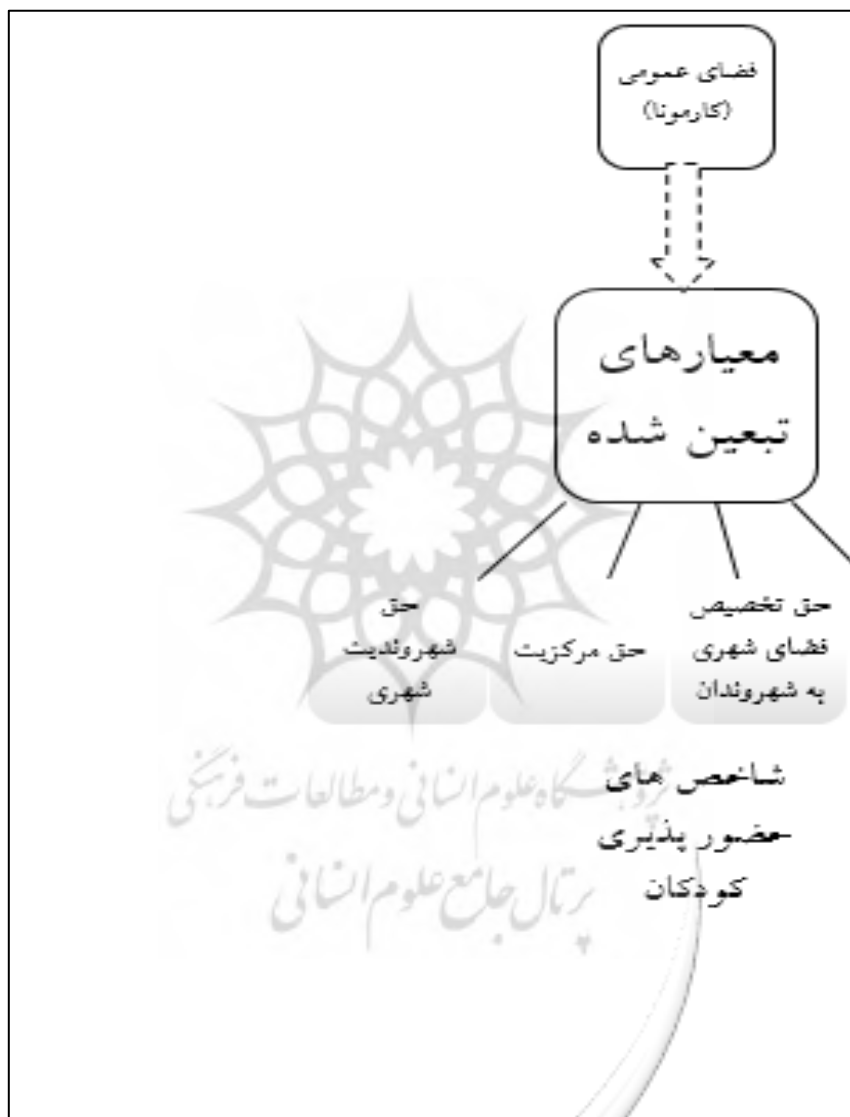
از ویژگی‌های آزمودنی که بتواند نتایج قابل اتکایی به دست آورد، در کنار مواردی چون سهولت اجرا، عینیت و قابل اجرا بودن دارای اهمیت می‌باشد.

بررسی روایی پرسشنامه‌ای محقق ساخته با استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان و متخصصان انجام گرفت. پایایی پرسشنامه به دقت نتایج حاصل اشاره دارد. در این پرسشنامه با به کارگیری ضریب آلفای کرونباخ از روش تعیین همسانی درونی برای سنجش پایایی استفاده شده است. این ضریب براساس پرسش‌های بررسی کننده میزان رضایت (عدالت فضایی) را در شاخص‌های تعداد نمونه ۰,۸۸۲ شده است که به دلیل بالا بودن آن از ۰,۷ پایایی ابزار مورد استفاده برای آزمون پرسشنامه است.

مدل مفهومی تحقیق

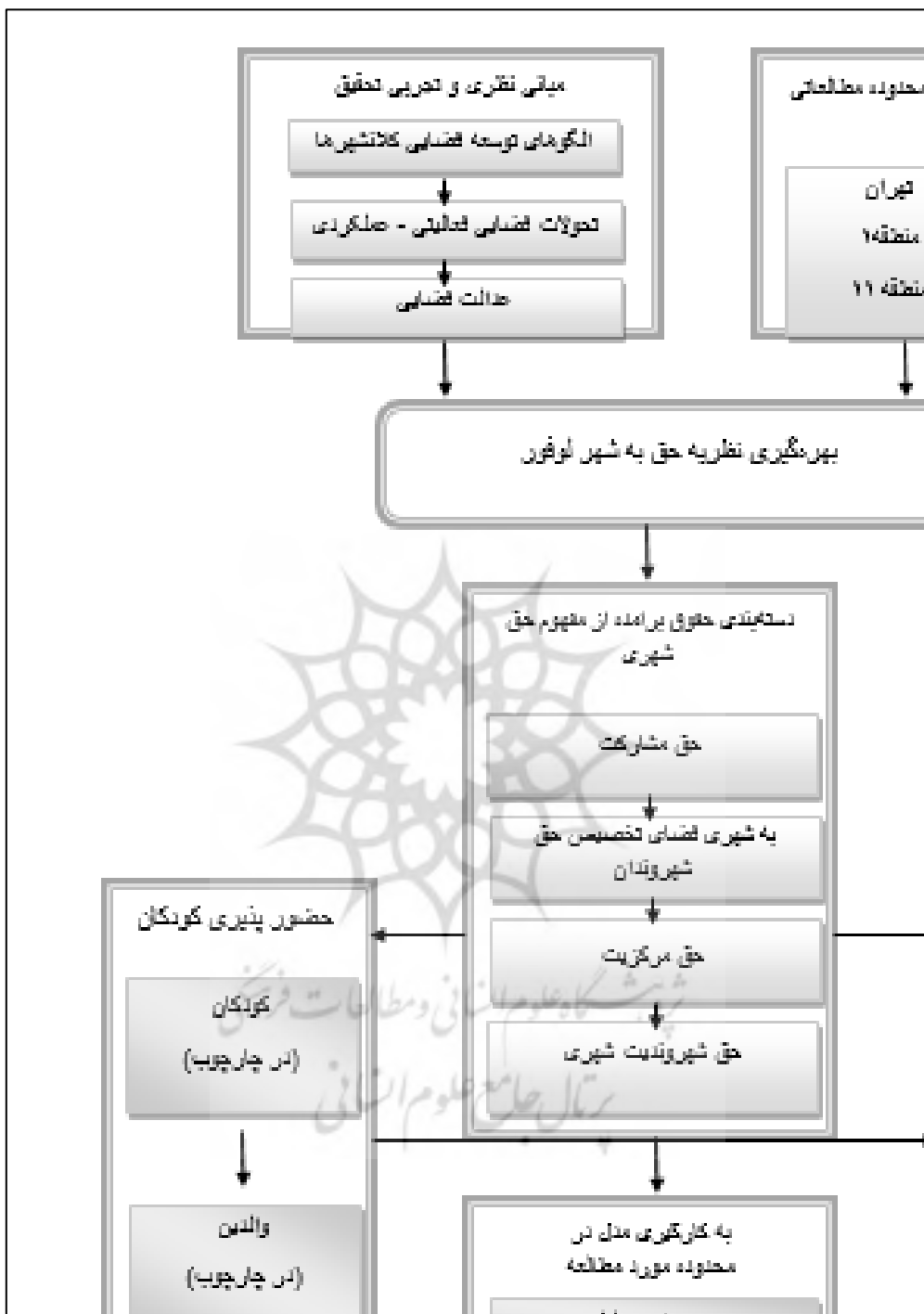
در برنامه‌ریزی شهری امروزی نیز علیرغم توجهات انسانی و اجتماعی و اقتصادی و طبیعی برای شهر، به عوامل ساختار بخش جامعه که یکی از آنها کودکان می‌باشند، توجه چندانی معطوف نمی‌آورد. از همین روی شهرها بیشتر برای بزرگسالان ساخته و پرداخته می‌شود. چنانکه حتی با افزایش وسعت و تعداد فضاهای بازی و ورزشی و محوطه-

های باز در شهرسازی امروزی مشاهده می‌گردد که آیا فضاها پاسخگوی نیازهای کودکان نبوده و نیاز به ایجاد و رهسازی فضای شهری برای حضور بیشتر آنان در این فضاها را ایجاب می‌کند. تحقق این امر نیاز به مطالعه، شناخت و درک و تامین اجتماعی او در فضای شهری و رعایت حقوق و انتظاراتی را دارد که کودک از نبر جسمی و روانی در مراحل رشد خود به آن نیازمند است، که به طور خاص فضای عمومی کارمونا و عدالت فضایی سو جا مد نظر در این پژوهش می‌باشد.



نمودار ۴: معیارهای تبیین شده

منبع: نگارندگان



نمودار ۵: مدل مفهومی تحقیق

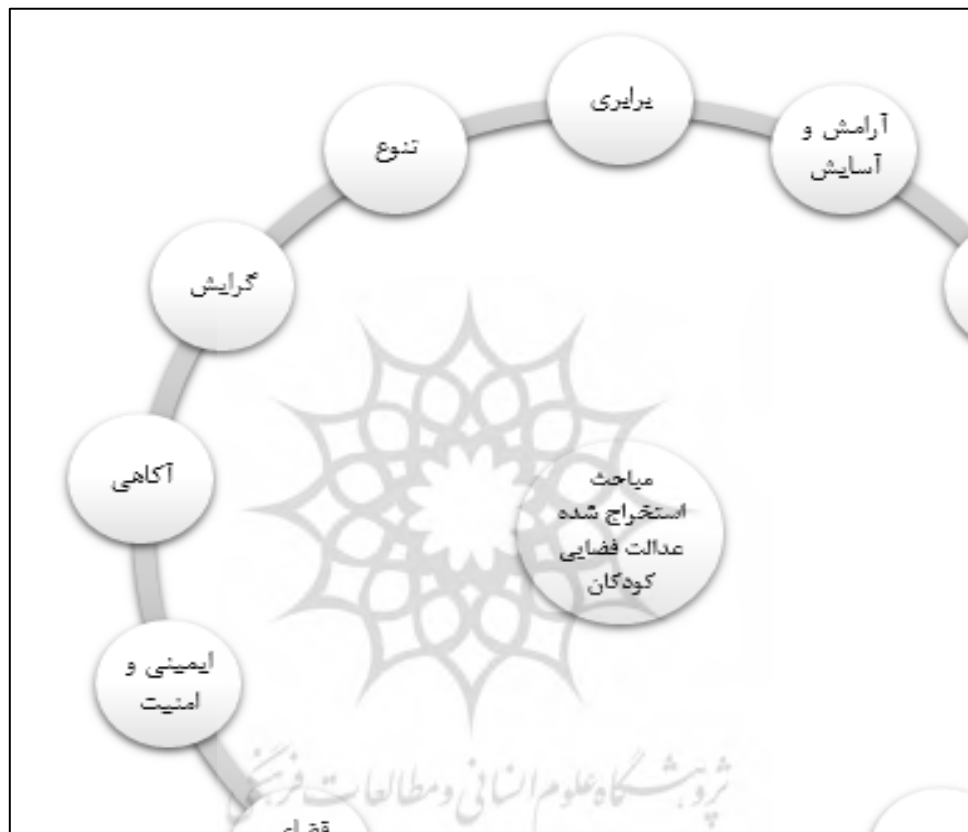
منبع: نگارندگان

مدل پیشنهادی حضورپذیری کودکان

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش از یکسو کلیه فضاهایی را شامل می‌شود که امروزه در کلانشهر تهران می‌توان به کل فضا گسترش داد. در نمودار شماره ذیل تمامی مباحث فرعی و زیربحث‌ها و ارتباط آنها با بحث اصلی نشان داده شده است. لازم به ذکر است که بحث اصلی یعنی تعادل و عدالت در فضاهای عمومی شهری دارای چهار بعد آسیب-

شناسانه، رضایتمندانه، ارتباطی و پارادایمی است که نشاندهنده این است که از چه دیدگاهی به ارتباط بین مباحث با یکدیگر در فضاهای عمومی شهری تهران پرداخته شده است.

نمودار شماره ذیل نیز نمایش دهنده نوع مباحث (پیوسته، منطقه ای، نتیجه‌ای، و یا ترکیبی از این انواع) و چگونگی ارتباط آنها با پدیده اصلی مورد پژوهش یعنی فضاهای عمومی شهری تهران در منطقه ۱ و ۱۱ براساس پرسشنامه در عصر حاضر است، به عبارتی می‌توان این الگو را به کل فضای شهری تهران گسترش بدهیم.



نمودار ۶: نمایش مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته در فضاهای عمومی شهری تهران منبع: نگارندگان

بازشناسی و مدل فضاهای عمومی شهری منطقه مورد مطالعه

همانگونه که در فصل قبل بیان شد، با استفاده از ابزارهای مشاهده و پرسشنامه و تلاش برای دست یافتن به مدل و نظریه مبنایی، جهت ارائه تعریف و بازشناسی جدیدی برای فضاهای عمومی شهری منطقه مورد مطالعه در عصر حاضر، معیارها در دو دسته استخراج شد که با بهره‌گیری از آن و متناظر با هر یک از این معیارها تعریف و بازشناسی توصیفی به شکل زیر برای این فضاها به دست آمد.

❖ معیار اول: برابری و مشارکت

فضاهای عمومی شهری تهران را نمی‌توان فضاهایی "متعادل" و "عادلانه" دانست؛ زیرا فضایی که هنوز به درجه نهایی از کیفیت، رضایت و مطلوبیت نرسیده است، نمی‌تواند فضایی در نظر گرفته شود که در همه جوانب و مقوله‌ها "تعادل و عدالت" را برقرار کرده باشد. البته بحث در این خصوص نسبی بوده و نمی‌توان در دنیای واقعیت فضایی را یافت که

از هر لحاظ کاملاً ایده‌آل به نظر آید. در مورد فضاهای عمومی تهران نیز همانگونه که در بخش مربوط به هر مقوله شرح آن رفت، ضعف‌های بسیاری وجود دارد که با تلاش برای متعادل و عادلانه کردن فضا در زمینه‌ها، سطوح و ابعاد گوناگون مسئله، میتوان به‌تدریج بر آن غلبه کرد.

شایسته است فضای عمومی شهری تهران فضایی باشد که در زمینه تمامی ابعاد و مقوله‌ها متعادل و عادلانه به خصوص برای کودکان گردد؛ فضایی که بتوان آن را فضایی برابر، آرام، متنوع، آگاهی‌بخش، آزاد و هماهنگ دانست، که بتواند با ایجاد حس تعلق، هویت جمعی، تصویر ذهنی و معنا، با مخاطبان خود ارتباط و تعاملی عمیق و پایدار برقرار کرده، تمامی نیازها و علایق حقیقی شهروندان و به صورت ویژه در این پژوهش کودکان را پاسخگو باشد و در نهایت فضایی سرشار از حضور، فعالیت، خلاقیت، نوآوری، پویایی و سرزندگی برای کودکان را به ارمغان آورد. چنین فضایی خواهد توانست تجربه روزانه زندگی عمومی شهری را برای مخاطبانش فراهم کرده، آنها را به درجه مناسبی از رضایت و مطلوبیت برساند و فضایی موفق نامیده شود.

❖ معیار دوم: تنوع

فضاهای عمومی شهری باید در دو بعد متنوع باشند: اول؛ تنوع فضایی (تنوع در نوع و عملکرد) و دوم؛ تنوع مخاطب (تنوع در انواع مخاطب و تنوع ارتباطی). فضایی متعادل و عادلانه است که در تمامی زمینه‌های مطرح شده پاسخگوی تنوع موردنیاز باشد.

❖ معیار سوم: همبستگی اجتماعی

در بحث ارتباطات و تعاملات، فضایی موفق است که با برقراری عدالت و تعادل در دو سطح ارتباط و تعامل مخاطبان با یکدیگر (غریبه و آشنا) و ارتباط مخاطبان با فضا (فضای مصنوعی و طبیعی و همچنین ارتباط تجاری) بتواند تمامی انواع ارتباط را برای همه مردم فراهم کند.

❖ معیار چهارم: تصویر ذهنی و معنا

یکی از مباحثی که فضاهای عمومی شهری باید بدان دست پیدا کنند تا بتوان آنها را فضاهای متعادل و عادلانه دانست، ایجاد ارتباط و درک متقابل با ذهن استفاده‌کننده و معنادار کردن فضاهای طبیعی و مصنوعی برای اوست.

❖ معیار پنجم: گرایش

با توجه به اینکه افراد مختلف در جوامع شهری گرایش‌های متنوع داشته و فضاها نیز بر مبنای انواع مختلف گرایش (نیاز و علاقه حقیقی، نیاز مصرفی و تحمیلی، دسترسی / زمان و مکان) با شهروندان ارتباط برقرار میکنند، فضاهای عمومی شهری باید در پاسخگویی به انواع گرایشها متعادل و عادل باشند.

❖ معیار ششم: آگاهی

فضاهای عمومی شهری متعادل و عادلانه فضاهایی هستند که بتوانند به یکی از مهمترین رسالتهای فضای عمومی یعنی آگاهی‌بخشی در سه زمینه آگاهی در راستای نحوه تعامل و حفظ فضا، آموزش و کسب دانش و آگاهی در خصوص نیاز به فضا دست یابند.

❖ معیار هفتم: حس تعلق و هویت جمعی

ارتباط و تعامل مخاطب با فضای عمومی شهری در صورتی ارزشمند، متعادل و عادلانه خواهد بود که فضا توانسته باشد در ارتباط با فرد و جامعه احساس تعلق و هویت جمعی ایجاد کند.

❖ معیار هشتم: هماهنگی

این معیار نیز با معیار تعادل و عدالت به ویژه از بعد پارادایمی ارتباط بسیار نزدیکی دارد. فضایی که بتواند میان مفاهیم و فرآیندهای مدرن و سنتی و همچنین جهانی و محلی، تعادل، هماهنگی و عدالت ایجاد کند، توانسته است با مهمترین عوامل تأثیرگذار بر تغییرات عصر حاضر در جهت مثبت و مفید همراه شود.

❖ معیار نهم: آزادی

یکی از مظاهر عدالت در جوامع، وجود آزادی در فضاهای عمومی در دو بعد "بیان و اندیشه" و "رفتار و عملکرد" است. بنابراین، جهت دست یافتن به تعادل، می‌بایست میان این مفهوم (آزادی) و کنترل فضاها هماهنگی و توازن ایجاد شود.

❖ معیار دهم: پویایی و سرزندگی

در نهایت می‌توان گفت فضای عمومی شهری که حقیقتاً متعادل و عادلانه باشد، باید بتواند برای مردم فضایی را سرشار از فعالیت، شادی و نشاط، نوآوری و خلاقیت، تفریح و سرگرمی و به‌طور کلی فضایی حضورپذیر، پویا و سرزنده ایجاد کند.

دسته دوم معیارها

❖ معیار یازدهم: آرامش و آسایش

زمانی که فضای عمومی شهری راحت، خلوت، پاک، باکیفیت و ایمن باشد و در یک کلام "آسایش جسمی" و "آرامش روحی" برای استفاده کنندگان فراهم کند، به تعادل و عدالت در این زمینه دست یافته است.

❖ معیار دوازدهم: جذابیت

حال اگر این کمبودهای کلی در ارتباط با نیازهای کودکان در طراحی‌ها برطرف نشود، حداقل باید در طراحی فضاهای عمومی شهری و محوطه سازی‌ها، به فضاهای جذاب کودکان توجه بیشتری شود زیرا جذابیت، طبیعی ترین شکل تمایل کودک برای تماس و برخورد با دنیای اطرافش است. حال آن که امروزه بسیاری از فضاهایی که برای کودکان خلق می‌شوند، به ابعاد مختلف وجودی کودک توجه ندارند و با ادراک، فعالیت‌ها و نیازهای کودکان هماهنگ نیستند. در واقع این فضاها با توجه به ویژگی‌ها و ادراکات بزرگسالان شکل گرفته‌اند.

توجه به ریخت شناسی و استانداردهای کودکان در طراحی فضاها و مبلمان شهری آموزشی دارای اهمیت به سزایی می‌باشد. توجه به کودکان معلول و طراحی فضاها به صورتی که این بخش از کودکان محله نیز به توانند از آن‌ها استفاده نمایند. در نظر گرفتن فضاهای آموزشی برای همه اهالی محله به خصوص کودکان فقیر محله در دسته جذابیت در نظر گرفته می‌شود. از مصادیق اصلی جذابیت برای کودکان، چالش برانگیز بودن، پیچیدگی و تنوع پیشنهاد می‌گردد، که تنوع خود در آب، پوشش گیاهی، نورپردازی، و رنگ صدق می‌کند.

❖ معیار سیزدهم: استقلال

فضاهای باز و گسترده‌ای که بچه‌ها بتوانند به‌اندازه دلخواه در آن بدونند، به بازی‌های غیررسمی بپردازند و انرژی درونی‌شان را تخلیه کنند. فضاهایی برای ماجراجویی؛ این‌ها فضاهایی هستند که قوه تجسم و تخیل کودکان به واسطه بودن در این فضاها

تقویت می‌شود. فضاهای مخفی، نظیر مازها، خانه‌های درختی و... که استقلال کودکان از طریق این فضاها رشد می‌یابد (خانزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

❖ معیار چهاردهم: فضای بازی

برای این پژوهش، نیازهای اساسی کودکان در هنگام حضور در محیط بازی به دست آمد که با استفاده از این نتایج و تلفیق آنها با اطلاعات به دست آمده از تحقیقات پیشین در زمینه اصول طراحی مناسب فضاهای بازی کودکان و پرورش خلاقیت آنان، نتایج و راهکارهای طراحی جهت مطلوبیت رشدن فضای بازی کودک پیشنهاد می‌گردد. به نظر می‌رسد، که هر آنچه کودک در نقاشی از فضای بازی خود می‌خواهد عینا به عنوان راهکار طراحی ارائه شود، بلکه می‌بایست ضمن رعایت مسائل مختلف از جمله استانداردها، مسائل ایمنی و فرهنگی به خواسته‌های کودک نیز توجه شود. در حقیقت، شهرسازان که در حوزه برنامه‌ریزی محیط‌های بازی کودک هستند، بهتر است از این مطالعه، خواسته‌های کودک را بفهمند و ضمن مصلحت‌اندیشی و رعایت مسائل ایمنی، فرهنگی و استانداردها به خواسته‌های کودکان توجه کنند. نمودار ذیل وسایل بازی مناسب را از جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد.

❖ معیار پانزدهم: ایمنی و امنیت

با توجه به اهداف پژوهش و جهت بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر احساس امنیت اجتماعی کودکان، مدل نظری و تجربی تحقیق به شرح زیر به دست آمده است. احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای دیگر در سمت راست نمودار، متغیرهای مستقل می‌باشند. تحلیل مسیر فوق، نوع اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، جهت و شدت آنها را تعیین می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد با ارتقاء و افزایش هر یک از متغیرهای مهارت‌های زندگی، سرمایه اجتماعی، هویت ملی و اجتماعی و دینداری، انسجام، اعتماد و مشارکت اجتماعی شاهد افزایش احساس امنیت اجتماعی کودکان در مناطق مورد بررسی می‌باشیم. با توجه به نقش اساسی هر یک از متغیرهای مورد بررسی، لازم است برنامه‌ریزی‌های اصولی در جهت ارتقاء هر یک از موارد زیر جهت افزایش احساس امنیت اجتماعی صورت گیرد.

❖ معیار شانزدهم: وجود محیط طبیعی

کودک، نیاز به هوای سالم، غذای سالم، مسکن مطمئن و مرتبط با طبیعت و فضای باز سالم دارد. حس کنجکاوی، فعالیت و جنجال و بازی نیز از دیدگاهی جزئی از خلقت طبیعی انسان در دوره کودکی به حساب می‌آید. لازمه رشد سالم کودک، ایجاد این زمینه‌ها در جهت ارتباط بخشیدن بین کودک و محیط طبیعی محسوب می‌شود.

❖ معیار هفدهم: مبلمان مناسب

طراحی فضا و مبلمان شهری می‌تواند به‌عنوان ابزاری آموزشی برای کودکان قلمداد شود. پژوهش نشان می‌دهد که طراحی فضاها و مبلمان شهری بین دو شهر به تقویت رشد کالبدی و کسب تجربه در این فضا به کودکان کمک کرده است. فضاها و مبلمان شهری مستقر در این دو منطقه بر مبنای آموزش پدیده‌های صوت و تجربه ترکیب اصوات به‌منظور خلق یک موسیقی در محیط و البته همراه با تأمین امنیت لازم برای کودکان شکل یافته است. مبلمان شهری در این محله انعطاف‌پذیر طراحی شده یعنی به جز متناسب‌بودن برای کودکان و درعین حال برای بزرگسالان، قابلیت استفاده به‌عنوان ابزار تولید صدا و موسیقی، محل نشستن و نیز استراحت را فراهم کرده و یک نشانه و المان شهری نیز قلمداد می‌شود.

ردیف	زمینه	معیار	شاخص و گونه شناسی
معیار دسته اول مطلوب فضای عمومی شهری برای کودکان			
۱	برابری و مشارکت	✓ فضاها تعادل و عدالت "و" برابری "ندارند"	✓ فضایی که در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و دسترسی برای مخاطبانش برابری ایجاد ندارند، فضایی متعادل و عادلانه نخواهد بود.
۲	تنوع	✓ عدم فضای عمومی شهری راحت، خلوت، پاک، باکیفیت و ایمن	✓ فضاهای ناکارآمد برای کودکان از جنبه‌های مختلف
۳	همبستگی اجتماعی	✓ امکان برقراری ارتباط مخاطبان با فضا (فضای مصنوع و طبیعی و همچنین ارتباط تجاری) وجود ندارد	✓ فضاهایی ناکارآمد برای کودکان در ارتباطات و تعاملات
۴	تصویر ذهنی و معنا	✓ امکان ایجاد ارتباط و درک متقابل با ذهن استفاده‌کننده وجود ندارد	✓ عدم قابلیت ارتباط با مخاطبان با یکدیگر (غریبه و آشنا)
۵	گرایش	✓ ناکارآمد بودن فضاها بر مبنای انواع مختلف گرایش	✓ فضاهای نامتعادل
۶	آگاهی	✓ عدم تعادل در پاسخگویی به گرایش‌ها از جمله نیاز و علاقه حقیقی، نیاز مصرفی و تحمیلی، دسترسی/ زمان و مکان	✓ فضاهایی ناعادلانه
۷	حسن تعلق و هویت جمعی	✓ ارزش هویت جمعی بروز داده نشده است.	✓ امکان معنادار کردن فضاهای طبیعی و مصنوع
۸	هماهنگی	✓ تغییرات مثبت در راستای حفظ فرهنگ و هویت مطلوب دیده نمی‌شود	✓ عدم هماهنگی فرآیندهای مدرن و سنتی و همچنین جهانی و محلی
۹	آزادی	✓ عدم هماهنگی و توازن میان مفهوم "آزادی" و کنترل فضاها	✓ فضاهایی با وجود آزادی "بیان و اندیشه"
۱۰	پویایی و سرزندگی	✓ فضایی ناکارآمدی برای حضورپذیره پویا و سرزنده	✓ فضاها ناکارآمد برای "رفتن و عملکرد" به عبارتی فضاهایی محدود
معیار دسته دوم مطلوب فضای عمومی شهری برای کودکان			
۱۱	اجتماعی و روانی	✓ آرامش و آسایش	✓ فضای ناکارآمد عمومی شهری از منظر راحتی، خلوتی، پاک
۱۲	جذابیت	✓ فاقد فضای مناسب و جذاب برای کودک و در عین حال از طبیعت سرشار از هیجان که مطلوب کودکان است.	✓ فضایی بی‌کیفیت و ناامن
۱۳	استقلال	✓ فضاهایی ناکارآمد برای حمایت از ایده‌های کودکان	✓ عدم وجود استانداردهای کودکان در طراحی فضاها
۱۴	فیزیکی	✓ فضای بازی	✓ فضاهایی ناکارآمد برای مسپردن مسیولیت به کودکان
۱۵	ایمنی و امنیت	✓ احساس امنیت در فضاها	✓ فضایی نامناسب برای بازی کودکان
۱۶	وجود محیط طبیعی	✓ وجود محیط طبیعی	✓ فضاهایی ناامن برای کودکان
۱۷	میلان مناسب	✓ فضاهایی ناکارآمد از لحاظ میلان شهری برای کودکان	✓ فضای بازی

نمودار ۷: بازشناسی و شاخص‌های فضاهای عمومی شهری منطقه مورد مطالعه در زمان حاضر منبع: نگارندگان

نتایج و یافته‌های نهایی پژوهش

به طور کلی، همانطور که فصل‌های گذشته اشاره شد روند تاریخی تغییر و شکل‌گیری فضاهایی عمومی شهری به خصوص برای شهر تهران و منطقه مورد مطالعه شرح داده شد. نمودارهای ذیل یافته‌ها را در قالب معیارهای به دست آمده مستخرج می‌کند. عواملی که فقدان آن در منطقه مورد مطالعه بسیار وجود دارد در جدول ذیل آمده است.



نمودار ۸: عواملی که فقدان آن در منطقه ۱ و ۱۱ شهر تهران محسوس می‌باشد منبع: نگارندگان



نمودار ۹-۱: تحلیل داخلی و خارجی منطقه یک شهر تهران

منبع: نگارندگان



نمودار ۱-۱۰: تحلیل داخلی و خارجی منطقه یازده شهر تهران

منبع: نگارندگان

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

از آنجا که فضاهای عمومی شهری امروز در معرض تحولات گسترده و جهانی قرار گرفته و در نتیجه دچار مسائل و مشکلاتی شده‌اند، فضاهای عمومی شهری قدیم با قرار گرفتن در جریان این دگرگونی‌ها، بعضاً ماهیت و عملکرد جدید پیدا کرده و یا دچار مشکلات ناشی از دوران گذار شده‌اند؛ از سوی دیگر فضاهای عمومی شهری جدیدی مانند مالها، پارکهای موضوعی و غیره پدید آمده‌اند که به لحاظ تئوری فاصله زیادی با تعاریف کلاسیک دارند. به نظر میرسد در تمامی دورانها، بحث‌های مربوط به فضاهای عمومی شهری تاکید بیشتری بر حوزه اجتماعی این فضاها داشته و تلاش کرده‌اند به مسئله تعاملات و ارتباطات اجتماعی میان انسانها در سنین، طبقات و فرهنگ‌های گوناگون با یکدیگر و با فضا پردازند. لیکن تمامی فضاهای شهری در عصر حاضر مواجه با فرآیندهایی چون صنعتی

شدن، مدرنیزاسیون و جهانی‌سازی شده و از اهداف اصلی خویش فاصله بسیاری گرفته‌اند. با بررسی برآیند تعاریف و مفاهیم مطرح شده در دوره‌های گوناگون و مقایسه آنها با آنچه امروزه به عنوان فضای عمومی در شهرها مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که این فضاها حتی در معیارهای اولیه نظیر ارتباط با شهروندان، شیوه دسترسی و نوع مدیریت در زمره فضاهای عمومی شهری قرار نمی‌گیرند و توانایی ارتقای جوانب اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی انسانها را نخواهند داشت. برخی از این فضاها با نگاه تک بعدی که عمدتاً اقتصادی است، توسط برخی اشخاص یا نهادها به سرمایه گذاری در نقاط مختلف شهر پرداخته و با تمرکز بر جذابیت‌های ظاهری، فضاهایی همگن را به تقلید از سایر کشورها به مردم تحمیل می‌کنند. این در حالی است که در برخی کشورها فضاهای عمومی شهری حقیقی نیز نتوانسته‌اند با حفظ رسالت خویش به رقابت با این "به اصطلاح" شبه فضاهای عمومی بپردازند و رفته رفته در جوامع رنگ باخته‌اند.

در فضاهای عمومی شهری عصر حاضر، مفهوم جامعه، آنگونه که باید، در ارتباط افراد با یکدیگر و با فضا شکل نگرفته است. شاید دلیل اصلی آن را بتوان در بعد قرارداد (حقوق و مسئولیت‌ها) و شیوه کنترل و مدیریت فضاها دانست که تحت کنترل پارادایم‌هایی چون مدرنیزاسیون و جهانی‌سازی و همچنین عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته و نتوانسته‌اند در شهرها فضاهای عمومی حقیقی را ایجاد و مدیریت کنند. لیکن این بدین معنا نیست که هیچ‌یک از فضاهای عمومی شهری موجود دارای ویژگی‌ها و معیارهای لازم نیستند؛ آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد دست یافتن به تعریفی است که فضاهای عمومی شهری در عصر حاضر می‌توانند داشته باشند نه صرفاً بیان ایده‌آلهایی که نظریه پردازان به آن پرداخته و می‌پردازند و شاید هیچگاه به طور کامل در طول تاریخ تحقق پیدا نکرده‌اند. لذا می‌توان تعریف و تحلیل زیر را با دیدگاه انتقادی برای فضاهای عمومی شهری تهران امروز در نظر گرفت:

فضاهای عمومی شهری تهران امروز فضاهایی هستند که در اثر عوامل گوناگون دچار مسائل و مشکلات متعددی شده‌اند و به نوعی در مرحله گذار قرار گرفته‌اند؛ این فضاها هنوز نتوانسته‌اند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند؛ به طوری که در برقراری ارتباط با مخاطب دچار مشکل جدی هستند، با بستر و زمینه‌ای که در آن قرار دارند، بیگانه‌اند و قوانین و سیاست‌های حاکم متعادل و متناسبی ندارند. به طور کلی به رغم آنکه ممکن است انواع گوناگونی از جمله فضاهای سبز، پارک‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها و غیره را در برگیرند، لیکن هنوز طبقه بندی منسجم و هماهنگی نداشته و نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازهای انسان در ابعاد مختلف زندگی باشند.

فضاهای عمومی شهری تهران امروز از جهت کالبدی و فیزیکی با تکرار الگوهای سایر کشورها بدون توجه به بستر و زمینه خود، شانس خود برای تبدیل به فضایی که بتواند با مخاطب خود ارتباطی دائمی برقرار کند از دست داده‌اند. این فضاها نتوانسته‌اند آنگونه که باید ارتباطات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در جامعه شکل داده و تقویت کنند. شیوه مدیریت و کنترل و نظارت ناهماهنگ و نامتناسب با برخی انواع فضای عمومی باعث شده است که مطلوبیت کافی نداشته باشند. گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و بازار آزاد باعث شکل‌گیری فضاهایی تجاری شده با الگوهایی تکراری و وابسته به مالکیت خصوصی گردیده که به دلیل عدم هماهنگی با اهداف فضاهای عمومی شهری،

مشکلات جدی در موفقیت این فضاها ایجاد کرده است. می‌توان گفت در عصر حاضر، بزرگترین چالشی که در این فضاها وجود دارد، نبود "تعادل و عدالت" در ابعاد و مقوله‌های گوناگون است. فضاهای عمومی شهری تهران را نمی‌توان فضاهایی "متعادل و عادلانه" دانست؛ زیرا فضایی که هنوز به درجه نهایی از کیفیت، رضایت و مطلوبیت نرسیده است، نمی‌تواند فضایی در نظر گرفته شود که در همه جوانب و مقوله‌ها "تعادل و عدالت" را برقرار کرده باشد. البته بحث در این خصوص نسبی بوده و نمی‌توان در دنیای واقعیت فضایی را یافت که از هر لحاظ کاملاً ایده‌آل به نظر آید. در مورد فضاهای عمومی تهران نیز همانگونه که در بخش مربوط به هر مقوله شرح آن رفت، ضعف‌های بسیاری وجود دارد که با تلاش برای متعادل و عادلانه کردن فضا در زمینه‌ها، سطوح و ابعاد گوناگون مساله، می‌توان به تدریج بر آن غلبه کرد.

شایسته است فضای عمومی شهری تهران فضایی باشد که در زمینه تمامی ابعاد و مقوله‌ها متعادل و عادلانه گردد؛ فضایی که بتوان آن را فضایی برابر، آرام، متنوع، آگاهی بخش، آزاد و هماهنگ دانست که بتواند با ایجاد حس تعلق، هویت جمعی، تصویر ذهنی و معنا، با مخاطبان خود ارتباط و تعاملی عمیق و پایدار برقرار کرده، تمامی نیازها و علایق حقیقی آنها را پاسخگو باشد و در نهایت فضایی سرشار از حضور، فعالیت، خلاقیت، نوآوری، پویایی و سرزندگی را به ارمغان آورد. چنین فضایی خواهد توانست تجربه روزانه زندگی عمومی شهری را برای مخاطبانش فراهم کرده، آنها را به درجه مناسبی از رضایت و مطلوبیت برساند و فضایی موفق نامیده شود.

منابع

- ابراهیمی، حمیدرضا، سعیدی رضوانی، نوید، معانی منجیلی، آرزو (۱۳۹۰)، تدوین اصول طراحی فضاهای بازی کودکان با تأکید بر گروه سنی ۵ تا ۱۲ سال (مطالعه موردی: رشت). مجله باغ نظر ۸ (۱۹): ۴۲ - ۳۱.
- استاندارداری تهران، (۱۳۹۱). همانندسازی اطلاعات جمعیتی استان تهران، ۱۳۷۵-۱۳۹۰ بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۰، تهران، معاونت برنامه ریزی، دفتر آمار و اطلاعات، الگوی توسعه منطقه یازده (وزارت مسکن و شهرسازی) سند راهبردی توسعه محلات تهران در سال ۱۳۸۸، شهرداری تهران.
- اسمیت، دیوید (۱۳۸۱)، کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی، ترجمه دکتر حسین حاتمی‌نژاد و حکمت شاه‌آبادی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۵ و ۱۸۶، صص ۱۷۳-۱۶۰.
- امانپور، سعید و همکاران (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل پراکنش خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی در کلانشهر اهواز (با استفاده از تکنیک ادغام). فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۷، شماره پیاپی ۲۵.
- حاتمی‌نژاد، حسین و راستی، عمران (۱۳۸۵)، عدالت فضایی و عدالت اجتماعی: ارزیابی و مقایسه دیدگاه‌های جان رالز و دیوید هاروی، زمین، شماره ۹، صص ۹۵-۸۲.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ فرهودی، رحمت‌الله و محمدپور جابری، مرتضی (۱۳۸۷)، تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مورد مطالعه: شهر اسفراین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵، صص ۸۵-۷۱.
- حیبی، ماندانا (۱۳۸۹)، تدوین اصول و ضوابط شهر پربازی (playfull city)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- حکمی، نرجس (۱۳۹۰)، "شهر امن برای کودکان"، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
- داداش‌پور، هاشم و رستمی، فرامرز (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل شیوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۶، صص ۱۹۸-۱۷۱.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷). جامعه شناسی شهری، جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سجادی، حمیرا؛ وامقی، مروثه و مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۹) عدالت اجتماعی و سلامت کودکان، مجله رفاه اجتماعی،

سرویس خبر گزارش (۱۳۸۶)، سبز راه و نکوور مسیری متفاوت، ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۱)، رساله تبیین مفهوم و شاخص سازی شهر عدالت محور: نمونه ارزیابی شهر تهران، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران شیعه، اسماعیل (۱۳۸۶)، آماده سازی شهر برای کودکان؛ نمونه مورد بررسی: تهران، تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، نشر شهر عبدی دانشپور، زهره (۱۳۷۸) تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد تهران، مجله صفا، سال نهم، شماره بیست و نهم، عدالت در شهر، توزیع فضایی امکانات و خدمات و تناسب آن با جمعیت ساکن در مناطق شهر تهران، خرداد ماه ۱۳۹۹، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران

کاپلان، پاول اس، (۱۳۸۱)، روانشناسی رشد سفر پرماجرای کودک، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، تهران، نشر رسا. کاشانی جو، خشایار، هرزندی، سارا، ایل ناز فتح العلومی (۱۳۹۲)، بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان، نمونه موردی: محله نظامیه تهران، نشریه معماری شهرسازی آرمان-شهر، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳، شماره صفحه مقاله ۲۴۹-۳۹۱۲. ماجدی، حمید و دیگران (۱۳۹۰) "بازتعریف فضای شهری" مطالعه موردی: محور ولیعصر حد فاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر، دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۲۸۳-۲۶۳

مثنوی، محمدرضا (۱۳۸۲)، الگوی توسعه پایدار و توسعه شهری جدید: شهرهای فشرده و شهر گسترده، مطالعات محیطی، شماره ۳۱، صص ۱۰۴-۸۹. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳): تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداریها، شماره ۶۵. انتشارات سازمان شهرداریها.

مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳)، توسعه یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۴، صص ۳۲-۱۹. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و نتایج کلی شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه)، ۱۳۸۸، تهران، مرکز آمار ایران، دفتر ریاست امور بین الملل و روابط عمومی.

معاونت شهرسازی و معماری (۱۳۹۱)، ضوابط و مقررات طرح تفصیلی جدید شهر تهران، اردیبهشت ۱۳۹۱، شهرداری تهران. طرح تفصیلی منطقه یازده در سال ۱۳۹۱، شهرداری تهران.

منصوری، سید امیر. و قره بیگلر، مینو. (۱۳۹۰) کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶، ۷۲-۶۳. نمازیان، علی، فارونی، فاطمه (۱۳۹۲)، حلقه گمشده روان شناسی محیط در آموزش معماری، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۳۱-۱۲۱.

هاروی، دیوید (۱۳۷۹) عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوم. تهران

هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).

Aaron Reuben, Louise Arseneault, Daniel W. Belsky, Avshalom Caspi, Helen L. Fisher, Renate M. Houts, Terrie E. Moffitt and Candice Odgers (2019). Residential neighborhood greenery and children's cognitive development, *Social Science & Medicine*, 10.1016/j.socscimed.2019.04.029.

Altman, I. (1975). *The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, and Crowding*.

Ana Luisa Maffini, Clarice Maraschin (2019). Urban Segregation and Socio-Spatial Interactions: A Configurational Approach, *Urban Sci*. 2018, 2, 55; doi:10.3390/urbansci2030055.

Audrey, Suzanne, Batista-Ferrer, Harriet (2015), Healthy urban environments for children and young people: A systematic review of intervention studies, *Health & Place* 36(2015)97-117.

B. Rittle-Johnson, E. Zippert, K. Boice The role of patterning and spatial skills in early mathematics development *Early Child. Res. Q.* (2018), 10.1016/j.ecresq.2018.03.006

Becker, Howard S (1963). *Outsider: Studies in the Sociology of Deviance*. New York: Macmillan.

Bethany Rittle-Johnson, Erica L. Zippert, Katherine L. Boice (2018), Data on preschool children's math, patterning, and spatial knowledge, *Data in Brief*, Volume 20, Pages 196-199, ISSN 2352-3409, <https://doi.org/10.1016/j.dib.2018.07.061>.

Blinkert, Baldo (2004), "Quality of the city for children: chaos and order", No:14;99-112; Retrived 29 June,2006 from

Bogossian, Paul (2001). What is Social Construction?. *Times literary Supplement*, February.

- Bollig, Sabine & Millei, Zsuzsa. (2018). Spaces of early childhood: Spatial approaches in research on early childhood education and care. *Journal of Pedagogy*. 9. 5-20. 10.2478/jped-2018-0001.
- Boyne, G.A., & Powell, M. (2002). The spatial strategy of equality and the spatial division of welfare, *Policy and Administration*, 32(2),181-94.
- Jane, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New-York, NY: Vintage.
- Kabisch, Nadja, Haase, Dagmar, (2014). Green justice or just green? Provision of urban green spaces in Berlin, Germany, *Landscape and Urban Planning* 122 (2014) 129– 139.
- Kinman, E. L. (1999), Evaluating health services equity at a primary care clinic in Chilmark. *Bolivia Social Science & Medicine*49 (5), 663–678.
- Lancy, D. F. (2008). *The Anthropology of Childhood: Cherubs, Chattel. Changelings*.
- Lancy, D. F. (2008). *The Anthropology of Childhood: Cherubs, Chattel. Changelings*. Cambridge. New York: Cambridge, 480.
- Sella F, Lucangeli D and Zorzi M (2018) Spatial and Verbal Routes to Number Comparison in Young Children. *Front. Psychol.* 9:776. doi: 10.3389/fpsyg.2018.00776
- Sella, F., Berteletti, I., Lucangeli, D., and Zorzi, M. (2017). Preschool children use space, rather than counting, to infer the numerical magnitude of digits: evidence for a spatial mapping principle. *Cognition* 158, 56–67. doi: 10.1016/j.cognition.2016.10.010
- Senatsverwaltung für Stadtentwicklung und Umwelt. (2013). (Availability of public, near-residential green space) Erreichbarkeit von öffentlichen und wohnungsnahen Grünflächen. Retrieved from: http://www.stadtentwicklung.berlin.de/umwelt/umweltatlas/eda605_01.htm
- Shackell, A., Butler, N., Doyle, Ph & Ball, D. (2008). design for play: a guide to creating successful play spaces. Available from : <http://www.freeplaynetwork.org.uk/pubs/design-for-play.pdf>
- Smoyer-Tmic, Karen E., Hewko, Jared N., Hogdson, M. John, (2004) Spatial Accessibility and Equity of Playgrounds in Edmonton, Canada, *Canadian Geographer*, Volume 48, Issue3, Pages287-302, Retrived from:
- Soja, E. (2010), *Seeking Spatial Justice*, Publisher: University of Minnesota Press.
- Soja, Edward W. (2010). *Seeking spatial Justice*, University of Minnestoa press, Minneapolis.
- Spector, Malcom & John Kitsuse, (1987) ed2, *Constructing Social Problems*, New York: Aldine de Gruyter.
- TsouKo-Wan, Hung, Yu-Ting and Chang Yao-Lin, (2005), An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public Facilities, Department of Urban Planning, National Cheng Kung University, Tainan 70101, Taiwan.
- UNICEF. (2005). *Cities with Children, Child Friendly Cities in Italy*.
- UNICEF, Innocenti Research Centre, (2004). *Buildig Child Freindly Cities: A Framework for Action*, International Secretariat for Child Friendly Cities, Website: www.childfriendlycities.org.
- Wagner, Cynthia (2011). *Spatial Justice and the City of São Paulo*, Leuphana: University Lüneburg.
- Walker-Springett, Kate, Jefferson, Rebecca, Bock, Kerstin, Breckwoldt, Annette, Comby, Emeline, Cottet, Marylise, Hübner, Gundula, Le Lay, Yves-François, Shaw, Sylvie, WylesWays, Kayleigh, (2016). forward for aquatic conservation: Applications of environmental psychology to support management objectives, *Journal of Environmental Management* 166 (2016) 525e536.
- Zamani, Z. (2010). Child, nature, city- the necessity for revival of natural landscapes to children's living environment. *Journal of MANZAR*, 4: 58-61.
- Zamani, Z. (2010). Child, nature, city- the necessity for revival of natural landscapes to children's living.
- Zolfaghari, M. & Shahsavari, E. (2010). The role of "creativity parks" in kids' creativity and innovation nurture. The first annual Conference on Management, Innovation and Entrepreneurship, Shiraz.